

متن پرسش

سلام علیکم: در پاسخ ۲۷۷۵۰ اشاره زیبایی به همین بحث مبتلا به فرمودید و نکته دقیقی را متذکر شدید. به نظر و عقیده ام اگر ما فقه را در نگاه کلان و ماهواره ای و از جهت ظرفیت های نظام سازی ببینیم اتفاقا بسیار ظرفیت تمدنی دارد ولی هنوز بالفعل نشده و البته اقداماتی مثل الگوی اسلامی پیشرفت، مقدمه جدی نیل به آن است و از این جهت برای فقه تمدن ساز امیدواری وجود دارد. چگونه نمی‌تواند فقه و اسلام عزیز تمدن ساز باشد و به تعبیر بعضی افراد، مرجعیت علمی و سیاسی و اجتماعی ندارد و صرفا یکسری اصول کلی در آن پذیرفته شد که آن هم بیشتر مربوط به آخرت است و تجربه امر قدسی و تجربه زیسته دینی که مسلمین از این تجربه زیسته عبادت پیامبر بهره می‌برند؟ مگر علامه طباطبایی مبتنی بر همین قرآن، تفسیر عظیم المیزان را نوشت و آن معارف قیم و تمدن ساز و جامعه ساز را مطرح فرمود و توانست متناسب مسائل زمان افق قرآن را بگشاید؟ مگر حضرت آقا از همین قرآن و معارف حدیثی ذیل قرآن، طرح کلی اندیشه اسلامی را نوشتند و سخنرانی درباره اش نکردند و مگر امروز چنین کتابی، پایه فکری-اجتماعی برای نظام و دولت اسلامی نیست و نمی‌تواند باشد؟ حضرت امام چگونه توانست از دل دعای سحر و شرح معارف این دعا یا همان مباحث فقهی که در کتاب ولایت فقیه از مکاسب شیخ انصاری داشتند، متناسب جامعه سازی و انقلاب و گذار از حکومت پهلوی مطلب بنویسند و بعد هم ساختار نظام اسلامی با محوریت ولی فقیه و مستحل کننده انتخابات در چارچوب آن و تقسیم قوا کار کند و حرکت داشته باشد؟ و اکنون چطور آیت الله جوادی آملی در تفسیر تسنیم بسیاری از نظریات علم و معرفت مدرنیته را رسماً به چالش کشیده و مطلب مد نظر اسلام را می‌فرمایند؟ عجیب است برخی می‌گویند اسلام و سیره و روایات ائمه و فقه و عقل قدسی که ذیل ولایت دین و شریعت است، توانایی ندارد در عصر حاضر حرفی برای گفتن بزند و مقابل تکنیک و معادلات عصر کنونی چیزی برای عرضه کردن داشته باشد و دین فوقش تا پانصد سال پیش بکار حیات اجتماعی می‌خورده و اکنون چنین نیست و باید با عقل و تجربه بشری و تجارب سایر کشورها و حتی تجارب مدرنیته فی الحال کار کرد و نظریه داد و مطلب مطرح کرد و سعی هم داشت حتی الامکان با دین و قواعد صریحش مخالفت نکند. حتی این مطلب را به اصطلاح سنت گرایانی مثل آقای نصر هم قبول ندارند و درباره اش کتاب اسلام در دنیای متجدد را نوشته اند و آنها هم حتی با همان هندسه فکری شان که البته از جهات زیادی معیوب است، این مطلب را دریافته و روی آن مطلب نوشته اند ولی یکسری که حتی در سمتهای کشورند و نظریه پردازان و چهره های فرهنگی و نظریه پرداز هستند چنین مطالبی را درباره اسلام و فقه و عقل قدسی می‌گویند و حتی می‌گویند مگر

علوم اسلامی و غیر اسلامی یا دینی و غیر دینی دارد! باید نگاهمان را به دین و دیانت و شریعت عمیق کنیم و با تمام وجود برای تولید علم و نظریات و معرفت جایگزین متناسب هویت دینی_انقلابی مان بکوشیم و واقعا در راستای همان جنبش نرم افزاری که مورد تاکید رهبر عزیز است تلاش کنیم کما اینکه تا کنون در همان الگوی اسلامی پیشرفت و در درون صحنه اتفاقات امیدبخش و قوی افتاده است و جای امیدواری است که می‌توان با نگاه کلان و ماهواره ای و جامع به فقه و احادیث و وحی و بهره از تدبیر در آیات انفسی و آفاقی عالم، نظام و تمدنی ماورای مدرنیته ساخت و حقیقتاً بایستی از عمق جان این اشارات شهید آوینی را بفهمیم که گفت، بعثت تاریخی انسان در مردی مثل حضرت امام برای من کافی بود تا بفهمم عصر تمدن غرب سپری شده است. عذر می‌خواهم که طولانی شد و سرتان را درد آوردم. التماس دعا

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بخواهیم یا نخواهیم انقلاب اسلامی در این تاریخ مأوایی است برای کسانی که متوجه شده‌اند زندگی در این دنیا معنایی متعالی‌تر و بلندتر از آنی دارد که فرهنگ مدرن برای بشر طراحی کرده. مسلماً با این رویکرد ما به متون مقدس خود رجوع می‌کنیم و طی فرآیندی تاریخی چیزی به ظهور خواهد آمد که گمشده‌ی بشریت است. هنر و بصیرت ما باید آن باشد که مأوای تاریخی خود را که غیر از مأوای فردی قرون وسطایی است بشناسیم. موفق باشید